

۱۳۷۲، بهار

موسسه انتشارات نگاه

تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱

تلفن: ۸۷۲۰۰۰۰

ISBN: 978-964-321-824-2

در غارهای پر از نرگس

لیلیه تاج‌الملک با اسامی پدید آورنده

در غارهای پر از نرگس

۱۳۷۲، بهار

موسسه انتشارات نگاه

پیشخوانی های عمیق

علی باباچاهی

موسسه انتشارات نگاه

تهران، بهار

موسسه انتشارات نگاه

تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱

تلفن: ۸۷۲۰۰۰۰



موسسه انتشارات نگاه

موسسه انتشارات نگاه

موسسه انتشارات نگاه

www.entesharatnegah.com
info@entesharatnegah.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

تهران، ۱۳۹۲

..... ۸۷ ۹۲/
..... ۰۸ ۸۲/
..... ۲۸ ۰۶/
..... ۲۸ ۲۶/
..... ۹۸ ۲۶/
..... ۰۶ ۸۶/
..... ۲۶ ۰۶/
..... ۲۶ ۲۶/

فهرست

..... ۴۰	جدایی‌ها	۷	شعر
..... ۴۲	بی‌نسخه	۹	خط فاصله هست
..... ۴۴	دقیقاً	۱۱	فکرهای در اغما
..... ۴۶	شاید دارد	۱۳	مشکل نیست
..... ۴۸	این کافی‌ست	۱۵	این یکی
..... ۵۰	بدون عجله	۱۷	آن وقت
..... ۵۲	جایزه دارد	۱۹	معلوم نشد
..... ۵۴	عوض شده	۲۱	یادت به خیر
..... ۵۶	این صحنه‌ها	۲۳	ترس بیجاست
..... ۵۸	جنگ بی‌سابقه	۲۵	دو نفره
..... ۶۰	بین خودمان باشد	۲۷	واقعاً
..... ۶۲	این معصومیت	۲۹	این سناریو
..... ۶۴	با چشم‌ها	۳۱	عاشقک (۱)
..... ۶۶	دنایای خوب	۳۲	عاشقک (۲)
..... ۶۸	بله دیگه!	۳۳	عاشقک (۳)
..... ۷۰	پایان جنگ‌های جهانی	۳۴	عاشقک (۴)
..... ۷۲	بی‌خیال است	۳۵	عاشقک (۵)
..... ۷۴	جدی‌نگیر!	۳۶	همین که هست
..... ۷۶	به احتمال زیاد	۳۸	توهم نیست

دیوونه بازی.....	۷۸
خصوصیت.....	۸۰
نهایت کار.....	۸۲
چه می شودها.....	۸۴
هست.....	۸۶
آخه چرا؟.....	۸۸
خیلی مدرن.....	۹۰
کافه‌ی من و تو.....	۹۲
چه خبرها که نبود!.....	۹۳
نمایش (۱).....	۹۵
نمایش (۲).....	۹۷
چه؟.....	۹۹
تردد.....	۱۰۱
توافق ضمنی.....	۱۰۳
جنگِ جنگِ ساز.....	۱۰۵
اناری‌ها.....	۱۰۷
جوهر.....	۱۰۹
ترافیک.....	۱۱۱
آخر کار.....	۱۱۳
چه برفی!.....	۱۱۵
خیلی اذیت شد.....	۱۱۸
بازی بومی.....	۱۲۰
پشتِ سر.....	۱۲۲
«تو»های من.....	۱۲۴
.....	۱۲۶
.....	۱۲۸
.....	۱۳۰
.....	۱۳۲
.....	۱۳۴
.....	۱۳۶
.....	۱۳۸
.....	۱۴۰
.....	۱۴۲
.....	۱۴۴
.....	۱۴۶
.....	۱۴۸
.....	۱۵۰
.....	۱۵۲
.....	۱۵۴
.....	۱۵۶
.....	۱۵۸
.....	۱۶۰
.....	۱۶۲
.....	۱۶۴
.....	۱۶۶
.....	۱۶۸
.....	۱۷۱
.....	۱۷۲
.....	۲۶
.....	۵۲
.....	۹۲
.....	۸۲
.....	۷۷
.....	۲۷
.....	۲۷
.....	۹۷

تساوی در بازی با تجهیزات
 در این بازی هیچ‌کس برنده نیست
 لذت بردن از بازی با تجهیزات
 این بازی با تجهیزات

شعر

باز یگوشی‌های دیگری هم دارد شعر
 سر و گوشش را گاهی باند پیچی می‌کند
 که خط برداشته خط خطی شده در جنگ ویتنام
 می‌زند زیر گریه گاهی که دزدهای نقابدار پستانکم را
 قاپیده و دررفته‌اند
 وقت سرش نمی‌شود
 پیر سیم‌رخ را هم که آتش نرنی
 روی دیوار دُم علم می‌کند با دو چشمی که برق می‌زند
 در تاریکی
 خیس باران که بشوی اما چترش را باز نمی‌کند
 می‌گوید این طوری - این طوری طوری می‌شوی.
 که به آن طوری نزدیک تری
 به روسری‌ام دست نمی‌زند نامحرم است ولی می‌گوید:

چشم و ابروی شرقی تو پشت جبهه شرقی تراست
 مخصوصاً وقتی که دانه می ریزی جلو پای گچ گرفته ی سربازی
 و فکر می کنی به کبک هایی که گرسنه مانده اند وسط برف ها
 برویم برسیم به افق هایی که گذاشته ایم پشت سر!

شعر اگر به ما نرسد؟ می رسد!

شاید هم راه افتاده باشد قبلاً

جلو جلو تلو تلو

دی ماه ۱۳۹۰

تساوی خط نهی مایه شکست و انوار صحنه
 اتسه نلفه نلفه نلفه اتسه نلفه نلفه اتسه نلفه نلفه
 اتسه ب کلا اتسه با اتسه ب کلا
خط فاصله هست

تساوی مقال و مال و لوج
 اتسه نلفه نلفه نلفه اتسه نلفه نلفه اتسه نلفه نلفه
 اتسه ب کلا اتسه با اتسه ب کلا
 به سلامتی تو نمردن تلو خوردن ندارد

ته کشیده تمام شده شک نکن بکن!

الکل پریده نه جرم است نه مجرم

انگور سرکه ی بالقوه است شراب بالقوه

تقطیری؟ تخمیری؟ نه! قول داده ام

به پدر قول داده ام فقط آب چه بالفعل چه بالقوه!

شب به گلابستان بودم و آب را ترجیح دادم به گلاب

مشکوک

تلو تلو نخوردم و پیشانی عشاق را نبوسیدم و دیگر —

دیوارهای به یادگاری آغشته را نبوسیدم و دیگر —

ک های نامریی های پشت سر سایه های بزرگ

فاصله خط فاصله! دلهای خون آشام های

هفت آن طرف و هفتاد این طرفی بعداً بزرگ

من این طرف و بیاله های آن طرفی آن طرف

نمی خورم و نه! تلو نه تلو تلو نه نه نمی خورم و نه!